

بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ : ۹۰/ ۱۰/ ۲۵

عزاداری برای امام حسین(ع) در سیره اهل تسنن و وهابیون

مجری:

بسم الله الرحمن الرحيم. السلام عليك يا ابا عبد الله و على الأرواح التي حلت بفنائك عليك مني سلام
الله أبدا ما بقيت و بقي الليل و النهار و لا جعله الله آخر العهد مني لزيارتكم السلام علي الحسين و علي بن
الحسين و علي اولاد الحسين و علي أصحاب الحسين.

سلام و عرض ادب دارم خدمت همه‌ی بینندگان عزیزی که الان پای گیرنده شان هستند و منتظر برنامه‌ی
خودشان هستند. ممنون هستیم که این برنامه را انتخاب کردید و ما را مهمان خانه های خودتان قرار دادید
امیدواریم که این برنامه مورد استفاده‌ی شما قرار بگیرد و تا پایان برنامه همراه ما باشید. ان شاء الله. برنامه ای
که تقدیم شما می شود در این دهه‌ی حسنی که انصافا نام گذاری خیلی به جایی است و از اربعین امام حسین تا
شهادت امام حسن و تا آخر صفر، این دهه، دهه‌ی حسنی نام گذاری بشود، امام حسن عزیز خیلی مظلوم است
و حالا چون تحت شعاع رحلت پیامبر گرامی اسلام هم هست کمتر توجه می شود.

ما وقتی می آییم مباحث را مطرح می کنیم انصافا آن مظلومیت امام حسن مقداری کنار می رود و این
واقعا باعث خوشحالی است. ان شاء الله که بتوانیم در این دهه ای که به نام این بزرگوار نام گذاری شده است اسم
امام حسن و مظلومیت امام حسن را برای جهانیان عرضه کنیم. برنامه ای که تقدیم شما می شود به نام حبل
المتین و به صورت زنده و مستقیم تقدیم شما عزیزان می شود. در این برنامه قصد ما و همکاران عزیز این است
که تاریخ اسلام را برای شما شرح بدهیم و در بوته‌ی نقد و بررسی قرار بدهیم و ان شاء الله قضاوتش را هم به

عهده ی شما عزیزان خواهیم گذاشت، عمده ی مطالبی که گفته می شود از کتب اهل سنت است و مباحث ما به صورت علمی است، البته چون مبحث علمی گفته می شود باعث نمی شود بعضی از مسائل را نگوئیم.

اما به هر صورت این طبیعت یک کار علمی است که ما باید خیلی از مسائل را مطرح بکنیم. چون خیلی از این مسائلی که گفته می شود منشأ اعتقادی دارد. اما پرهیز می کنیم از بی ادبی و جسارت و توهین، از شما عزیزان که با ما ارتباط برقرار می کنید می خواهیم که ان شاء الله این گونه باشید که دستور موالی ما است که با ادب و احترام با طرف مقابلمان برخورد بکنیم ولی بحث علمی خودمان هم سر جای خودش است گرچه بعضی از دوستان برایشان ناخوشایند باشد و این را نمی توانند قبول کنند ولی به هر صورت ما بحث علمی مان را خدمت شما عرض می کنیم ان شاء الله که همه ی عزیزان استفاده کنند.

من خواهش می کنم عزیزانی که برنامه ی ما را نگاه می کنند واقعا اهل جستجو و تحقیق باشند. بی توجه نباشند و وقتی مثلا حضرت استاد مطلب علمی می فرمایند واقعا کتاب را نگاه کنند و مطالعه و تفکر کنند. قرآن خیلی وقت ها ما را وادار می کند به تفکر، یک ساعت تفکر برابر است با ۷۰ سال عبادت، خاصیتش چیست؟ خاصیتش همین است که من یک مطلبی را می شنوم و به واسطه ی این شنیدن به مطالعه و تحقیق و تفکر وادار می شوم و این می تواند سعادت انسان را رقم بزند. لذا ما خواهش می کنیم از عزیزانی که با ما ارتباط برقرار می کنند یا بیننده ی برنامه ی ما هستند اینگونه باشند که ان شاء الله مطالعه و تحقیق کنند مسائلی را که ما خدمت شان تقدیم می کنیم. ان شاء الله تا پایان برنامه همراه ما خواهید بود و برنامه مورد استفاده ی شما قرار خواهد گرفت. ما در محضر حضرت استاد، حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی هستیم. سلام و عرض ادب دارم خدمت استاد عزیزم.

حضرت آیت الله حسینی قزوینی:

سلام علیکم و رحمة الله و برکاته، بنده هم خدمت همه ی بینندگان عزیز و گرامی که در هر کجای این کره ی خاکی بیننده ی برنامه ی ما هستند سلام و درود عرض می کنم. موفقیت همه ی عزیزان را از خدای منان

خواهانم و اربعین حسینی، ایام شهادت جانسوز و مظلومانه ی سبط اکبر امام مجتبی و امام هشتم سلام الله علیه و شهادت آقا رسول اکرم را به همه ی مسلمانان بویژه پیروان و محبین اهل بیت عصمت و طهارت تسلیت عرض می کنم. خدا را به آبروی پاکان درگاهش سوگند می دهم پاداش ما را تعجیل در فرج مولایمان بقیه الله الاعظم قرار بدهد ان شاء الله. همان طوری که عزیزمان اشاره کردند بینندگان عزیز هم کاملاً حضور ذهن دارند ما هر گونه اهانت، تندی، ناسزاگویی به پیروان دیگر مذاهب اسلامی و ادیان الهی و ناسزاگویی به مقدسات اهل سنت را گناهی بزرگ و نابخشودنی می دانیم و اگر ناخودآگاه از زبان ما یا دیگر کارشناسان مطالبی که استشمام اهانت باشد صادر بشود پیشاپیش من از عزیزان اهل سنت پوزش می طلبم. همت و تلاش ما این است و عقیده ی ما این است.

بار ها گفته ایم و منتی هم به اهل سنت نداریم، این دستور ائمه ی ما سلام الله علیهم اجمعین و توصیه ی اکید مراجع عظام تقلیدمان است که در دوران غیبت سخنان آنان برای ما حجت است، و لذا درخواستمان این است که آن دسته از عزیزان چه شیعه و چه سنی که با این برنامه یا دیگر برنامه های زنده ی شبکه ی جهانی ولایت تماس می گیرند این مسائل اساسی و خطوط قرمز را رعایت کنند. من حتی از این بالاتر توصیه می کنم عزیزان شیعه که با دیگر شبکه های وهابی تماس می گیرند تلاش کنند در این تماس ها و صحبت ها، آن ادبیات لایق به شیعه را و آن فرهنگ اهل بیت را در آن شبکه ها هم به نمایش بگذارند. نه تنها اهانت نکنند اگر در دیگر شبکه ها توسط کارشناسان و یا مجریان و یا دیگر تماس گیرندگان با آن شبکه ها که هوای وهابی گری دارند و توهین می کنند و اهانت می کنند، ناسزا می گویند، بی حرمتی می کنند، از باب

و إذا خاطبهم الجاهلون قالو سلاما.

سوره فرقان، آیه ۶۳

عزیزان شیعه ی ما از کوره در نروند، زبان به اهانت و ناسزاگویی نگشایند.

مجری:

ممنون هستیم حاج آقا از این فرصتی که در اختیار ما و بینندگان عزیز گذاشتید. حاج آقا مباحث ما که باز هم پیرامون مباحث عاشورا و شبهاتی است که آقایان در این شبکه ها دارند مطرح می کنند. امشب هم موضوع بحث مان از بزرگان اهل سنت است که در این زاویه می خواهیم وارد بشویم. این آقایان شبهه می اندازند و می گویند که عزاداری امام حسین بدعت است. گرچه ما حساب اهل سنت را از وهابیت جدا کردیم و خوشبختانه بینندگان عزیزی که از برادران اهل سنت هستند با ما تماس می گیرند و خودشان هم اعتراف می کنند و درخواست می کنند که بحث ما را از وهابی جدا کنید. واقعا چنین مسائلی اتفاق می افتد و خدا را شاکر هستیم.

ولی به هر صورت آن ها مشغول به کار خودشان هستند و باید بیایند سم پاشی کنند و شبهه افکنی کنند که این قضایای عزاداری بدعت است. من می خواستم امشب ورود بحثمان اینگونه باشد که حضرتعالی توضیح بدهید سیره ی اهل سنت در زمینه عزاداری امام حسین چگونه بوده ؟ جنابعالی در شب اربعین مباحث زیبایی فرمودید در حرم مطهر خیلی صحبت جذاب و زیبایی بود ما در تلویزیون نگاه می کردیم. بینندگان عزیز هم مشاهده کرده بودند و آن داستان هندوستان هم که وقتی مطرح فرمودید گرچه این جا هم مطرح کردید خیلی جذاب بود. لطف کنید این ها را برای ما توضیح بدهید.

حضرت آیت الله حسینی قزوینی:

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم. بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین و هو خیر ناصر و معین الحمد لله و الصلاة علی رسول الله و علی آله آل الله لا سیما علی مولانا بقیة الله و اللعن الدائم علی اعدائهم اعداء الله الی یوم لقاء الله. و افوض امری الی الله ان الله بصیر بالعباد. حسبنا الله و نعم الوکیل نعم المولی و نعم النصیر. یا ابا صالح المهدی ادرکنا. یا وجیها عند الله اشفع لنا عند الله.

همان طوری که عزیزمان هم اشاره کردند ما در این مسائل حساب اهل سنت را با حساب وهابیت جدا می دانیم در ایام عزاداری امام حسین چه در داخل کشور ایران و چه در خارج غالباً ما می بینیم آقایان اهل سنت در ایام عاشورای حسینی یا دوشادوش شیعیان و یا در بعضی از کشورها بهتر از شیعیان مراسم با شکوه عزاداری را اقامه می کنند. بنده اوائل همین سال در افغانستان بودم آن جا هر کجا جلساتی بود علما و بزرگان حتی، بعضی از شخصیت های سیاسی که ما دیدار داشتیم می گفتند عزاداری آقایان اهل سنت در افغانستان واقعا دیدنی است. با شور و شوق و علاقه برای امام حسین عزاداری می کنند. حتی در بعضی از مناطق عزاداری اهل سنت از عزاداری شیعیان هم با شکوه تر است، البته ما از دوستان تقاضا کرده بودیم که یک بخشی از این عزاداری ها را ضبط کنند و ارسال کنند که این جا پخش بشود تا بینندگان ببینند. همچنین در سفری که به هندوستان داشتیم در خود دهلی نو و در شهرهای دیگری که رفتیم، چون در آستانه ی فرا رسیدن محرم هم بود، مراسم عزاداری باشکوهی داشتند. بنده یک دفعه هم این جا عرض کردم و هم در حرم مطهر حضرت معصومه سلام الله علیها که من خودم کم دیدم این جمعیت را در حرم یعنی حدود ۵ یا ۶ هزار نفر جمعیت بود و اضافه در صحن و در خیابان های اطراف حرم مملو بود. چون این وهابی ها هر چه بیشتر تبلیغ می کنند مردم بیشتر علاقه پیدا می کنند. یعنی می دانند که عزاداری ها در حقیقت استخوان گلوی وهابیت است و تیری بر چشم وهابیت است.

مجری:

دو ثواب دارد، یک ثوابش به خاطر عزاداری امام حسین است و یک ثواب به خاطر این که چشم این ها را کور بکند.

حضرت آیت الله آقای حسینی قزوینی:

بله واقعا الحق و الانصاف از آن روزی که این ها در ماهواره ها شروع کردند علیه عزاداری تبلیغ کردن یک اثر خیلی خاصی داشته که این مراسم را الحمد الله با شکوه تر برگزار می کنند. عدو شود سبب خیر اگر خدا خواهد،

آن جا برادر بزرگوار مان جناب آقای مهدوی پور ایشان نقل می کرد که من در یکی از این موارد اختلافی یک زمین گسترده ای بود که آن را شیعه ها از دولت گرفته بودند اهل سنت می گفتند باید به ما برسد. و در محکمه هم طرح دعوا کرده بودند و پرونده باز بود، به این نتیجه رسیده بودند که به عنوان قاضی داور یا قاضی تحکیم ما باشیم آن جا، ما رفتیم آقایان اهل سنت هم ۶ تا نماینده فرستاده بودند، نماینده ی اهل سنت گفت این زمین باید به ما برسد گفتیم چرا؟ گفت این زمین در اصل وقف برای عزاداری امام حسین است ما اهل سنت عزاداری مان ۳ برابر شیعیان در این شهر است.

گفتم چه طور؟ گفت روز عاشورا ما سه تا دسته ی مفصل راه می اندازیم ولی آقایان شیعه ها فقط یک دسته راه می اندازند. من برایم یک مقداری تعجب آور بود، از یکی از دوستان شیعه که کنار من نشسته بود سوال کردم گفتم این راست می گوید؟ گفت بله راست می گوید. در این شهر «لکنهو» عزاداری اهل سنت از عزاداری ما بیش تر است. همین طور که می گوید این صحیح است. من هم دیگر بدون تأمل گفتم این زمین را باید بدهید به آقایان اهل سنت. ببینید این چنین است. حالا این آقایان وهابی ها آمده اند وکیل مدافع شده اند و یا وکیل اجیر دشمنان اسلام شده اند. البته حق هم دارند من حق می دهم به این ها، پولی که الان عربستان سعودی و آقای بن طلال اختصاص داده برای این شبکه ها این ها باید گزارش بدهند که حداقل این نوار هایشان را می دهند به آن ها که آقا ما چتین کارهایی انجام داده ایم. تا این پول شان ادامه داشته باشد و اگر نه آن اجرت شان و آن پول هایی که دارد می آید قطعاً قطع خواهد شد.

اما در این زمینه که واقعا خود بزرگان اهل سنت در مرثیه سرائی در مصائب امام حسین یا دوشادوش شیعیان و یا در بعضی از موارد سوزناکتر از شیعیان هستند من به عنوان نمونه به چند مورد اشاره کنم. خالد بن غفران از تابعین و از شخصیت های برجسته است. حتی ابن عساکر در کتاب تاریخ دمشق جلد ۱۶ صفحه ۱۸۰ از ایشان تعبیر می کند می گوید:

هو من أفاضل التابعین.

جزء فضلی از تابعین بوده.

ایشان می گوید وقتی اسرا وارد شام شدند این آقای خالد بن غفران چشمش به سرهای بریده ی اهل بیت و این قافله ی اسرا افتاد اصلا بی اختیار اشکش جاری شد و منقلب شد و اصلا نتوانست تحمل کند. از جامعه ای که چنین جنایت بی سابقه ای را مرتکب شده است ایشان یک یا دو ماه به طور کلی از جمعیت دوری کرد تا دوستانش بعد از جستجو او را پیدا کردند.

فسألوه عن عزلته

چه طور شما الان این مدتی است که رفته اید مخفی شده اید؟ و در جامعه نیستید؟

گفت:

أما ترون ما نزل بنا؟!!

آیا نمی بینید (با جنایت یزید) چه بر سر ما آمده (منتظر عذاب الهی هستیم).

بعد این چند شعر را برای آن ها خواند. من این چند بیت شعر را عرض می کنم و ترجمه می کنم و از آقایان اهل سنت تقاضا می کنم که به مضمون این اشعار دقت کنند. البته این قضیه در کتاب های متعدد دیگر هم آمده است. تعبیر این است که می گوید من وقتی چشمم به سر های بریده افتاد بی اختیار این شعر را سرودم:

جاءوا برأسك يا ابن بنت محمد * متزلا بدمائه ترميلا

وكانما بك يا ابن بنت محمد * قتلوا جهارا عامدين رسولا

قتلوك عطشانا ولم يترقبوا * في قتلك التنزيل والتأويلا

حسین ای فرزند دختر پیغمبر سر تو را بالای نیزه زدند در حالی که غلطان به خون خویش است.

حسین جان! ای فرزند پیغمبر تو را عطشان به شهادت رساندند و در شهادت رساندن و کشتن تو نه رعایت

قرآن کردند و نه رعایت سنت کردند.

یعنی حسین! شما که آیه ی تطهیر در حق شما نازل شده است شما که آیه ی مباحله در حق شما نازل شده است این نامسلمانها نه احترام قرآن و نه احترام سنت را رعایت نکردند. مگر پیغمبر نفرمود:

الحسن و الحسين سیدا شباب أهل الجنة؟!

الترمذی السلمي، ابو عیسی محمد بن عیسی (متوفای ۲۷۹هـ)، سنن الترمذی، ج ۵، ص ۳۲۱، تحقیق: عبد الرحمن محمد عثمان، ناشر: دار الفكر للطباعة والنشر والتوزیع - بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.

مگر پیغمبر نفرمود: من حسن و حسین را دوست دارم هر کس آن ها را دوست داشته باشد خدایا آن ها را تو دوست داشته باش.

حسین! با شهادت رساندن تو این ها حقا پیغمبر را به شهادت رساندند نه تو را،

ویکبرون بأن قتلت وإنما * قتلوا بك التكبير والتهليلا

دودمان بنی امیه دارند در شهادت رساندن تو تکبیر می گویند، شادی می کنند و در شادی الله اکبر می گویند و با کشتن تو، الله اکبر را کشتند، توحید را نابود کردند.
خیلی تعبیر زیبایی است.

و یکبرون بأن قتلت و إنما قتلوا بك التكبير و التهليلا.

این ها با قتل تو تکبیر دارند می گویند و در حقیقت تکبیر (الله اکبر) را این ها کشتند لا إله الله را این ها نابود کردند.

در منابع شیعه هم مناقب آل ابی طالب ابن شهر آشوب ج ۴ ص ۱۱۷ آورده است و البته آقای ابن کثیر دمشقی سلفی در کتاب البدایه و النهایه ج ۶ ص ۲۶۱، نیز آورده است. البته او این شعر را منتسب می کند به حاکم نیشابوری که در یکی از جلسات بوده ایشان می گوید در شهادت امام حسین مرثیه ها سروده اند. در این جا دیگر عنان قلم از دست ابن کثیر دمشقی رفته و می گوید:

و من أحسن ما أورده الحاکم أبو عبد الله النیشابوری و کان فیه تشیع.

یک ذره شیعه گری هم در حاکم نیشابوری بوده!

زهرش را می‌ریزد! بعد شعر را می‌گوید حاکم نیشابوری در مجلس یکی از بزرگان و حکام نشسته بود این را گفت ولی آن چه که محرز است این شعر مال حاکم نیشابوری نیست مال همان خالد بن غفران است که در شام به مجرد دیدن سرهای بریده این شعرها را سرود. البته یک نکته ای را برای بینندگان عزیز عرض کنم من که همیشه می‌گویم وهابیت را ما دو دسته تقسیم می‌کنیم، وهابیت معتدل و وهابیت تکفیری بی عقل و بی تدبیر، که واقعا جزء «بل هم اضلّ» هستند. امسال یکی از ائمه ی جماعت وهابی یعنی امام جماعت مسجد قبا، -خیلی بی پرده بگویم- شیخ صالح بن عواد المغامسی، امام جماعت مسجد قبای مدینه در شب عاشورا و یا شب تاسوعا در یکی از شبکه های وهابی به نام اقرأ - که برای عربستان سعودی است و قبلا مرکز پخشش مصر بود اخیرا به خود عربستان برگشته- سخنرانی می کرد یک دفعه نسبت به امام حسین سلام الله علیه احساساتی شد و گفت: لعنت خدا بر کسی که امام حسین را به قتل رساند. و لعنت خدا بر آن کسانی که از شهادت مظلومانه ی امام حسین راضی شدند. لعنت به قاتلین حسین، لعنت به کسانی که رضایت دادند بر این، بعد گفت امام حسین مظلومانه در ماه محرم در حالی که روزه بود به شهادت رسید.

بعد جالب این است که ایشان دوباره ادامه داد و احساساتش بیشتر شد. گفت لعنت خدا و ملائکه بر آن کسانی که امام حسین را به قتل رساندند و یا خوشحال شدند، ای پسر پیغمبر خدا! سر تو را بریدند و غرق در خون کردند در حالی که تشنه بودی، گویا با رسول خدا دشمنی داشتند، جان دادی در حالی که با تقوا بودی!

بعد همین آقا شعر خالد بن غفران را در این شبکه ی وهابی اقرأ خواند.

جاءوا برأسك يا ابن بنت محمد * متزمتا بدمائه ترميلا

وكأنما بك يا ابن بنت محمد * قتلوا جهارا عامدين رسولا

قتلوك عطشانا ولم يترقبوا * في قتلك التنزيل والتأويلا

و يكبرون بأن قتلتم و إنما قتلتموا بك التكبير و التهليل.

این از مسائل خیلی جالبی بود که همین امسال محرم اتفاق افتاد و تمام سایتهای اینترنتی تحت پوشش قرار دادند، شیعه آنلاین و شیعه نیوز پوشش دادند و ما خودمان هم در سایت ولی عصر و سایت ولایت تی وی صحبت های ایشان را گذاشتیم. شاید بیش از ۵۰۰ سایت اینترنتی صحبت های این عالم وهابی صالح بن عواد را که در یک شبکه ی جهانی وهابی بیان کرد پخش کردند.

مجری:

حالا خدا از گزند وهابی ها حفظش کند!

حضرت آیت الله آقای حسینی قزوینی:

بله، حالا دیگر قضایا را یک مقدار باید پیگیری کنیم ببینیم ایشان را به خاطر همین قضایا از امامت جماعت مسجد قبا عزل نکرده باشند! این چیزی است که همین امسال اتفاق افتاد.
و کم له من نظیر.

ببینید چهار تا وهابی تکفیری زبان نفهم، که اصلا ارزش بشری برای خودشان قائل نیستند، (مشکل ساز هستند). پیغمبر اکرم در جنگ ها -خودشان هم دارند - می گویند آقا شما حق کشتن حیوان را ندارید ولی این ها با کمال وقاحت دستور قتل صادر می کنند، به انفجارها مشروعیت می دهند، به حمله های انتحاری مشروعیت می دهند. ما در همین برنامه پخش کردیم کسی که قائم مقام بن لادن بود می گوید ما اربابی هستیم، ما تروریست هستیم، افتخار هم می کنیم به این که تروریست هستیم و کار ترور انجام می دهیم! این هم یک وهابی است و آقای بن عواد هم یک وهابی است. ما بارها گفته ایم در میان وهابی ها ۱۰ الی ۱۵ درصدشان تکفیری و زبان نفهم هستند، ۸۵ در صد این ها معتدل، مؤدب، منطقی بر خورد می کنند. حتی اگر به عبارتهای تند ابن تیمیه و یا محمد بن عبد الوهاب هم برسند یا اصلا رد می کنند و قبول نمی کنند یا حمل می کنند بر این که یک اجتهادی کرده است.

ما هم مجتهد هستیم و آن دو تا هم مجتهدی بودند. به فرض اگر مجتهد باشند، اجتهاد کرده اند، اجتهاد آن ها برای خودشان است. لذا این ها ادب را رعایت می کنند مثلا آقای حسن بصری که از بزرگان تابعین است و دارای شخصیت علمی بوده و مذهب فقهی داشته و تا قرن ۶ و ۷ مذهب فقهی او پا بر جا بوده، جناب شرف الدین موصلی کتابی دارد به نام مناقب آل محمد در ص ۱۰۴ از حسن بصری نقل می کند می گوید:

لما بلغ الحسن البصري قتل الحسين فبكا حتى إختلج صدغاه.

می گوید وقتی حسن بصری قضیه ی شهادت امام حسین را شنید چنان گریه کرد که بدنش می لرزید و شانه هایش تکان می خورد.

و بعد گفت که قطعا انتقام خون امام حسین از فرزندان بنی مرغانه و یزید گرفته خواهد شد. این ها قضایایی است که آقایان در تاریخ آورده اند ولی متأسفانه ما می بینیم که وهابیه بر خلاف آن مانور می دهند.

مجری:

حاج آقا خیلی ممنون هستیم. می خواستم سوال بکنم که آیا از ائمه ی اهل سنت در مصیبت امام حسین داریم که مرثیه سرایی کرده باشند؟

حضرت آیت الله آقای حسینی قزوینی:

از امام شافعی اشعار جانسوزی را نقل کرده اند. منابع متعدد شیعه و سنی هم نقل کرده اند که امام شافعی طبع شعر داشته و در شهادت جانسوز امام حسین سلام الله علیه چنین شعر گفته است:

تأؤب همي والفقؤاد كئيب و أرق عيني والرقاد غريب

اندوه من با شنیدن شهادت جانسوز امام حسین بر من برگشت و تپش قلب من بالا رفت و چشمم به

خواب نمی رود از این مصیبت بزرگ، با این مصیبت بزرگ چگونه انسان بخوابد؟ مگر این مصیبت به انسان

فرصت خوابیدن می دهد؟

ومما نفى نومي وشيب لمتي تصاريف أيام لهن خطوب

آن چیزی که خواب را از سر من پرانده و محاسنم را سفید کرده است این مصیبت های سنگینی است

که بر اهل بیت پیغمبر با مصیبت آقا امام حسین نازل شده است.

بعد می گوید:

تزلزلت الدنيا لآل محمد و كادت لهم صم الجبال تذوب

دنیا برای آل محمد به زلزله افتاده و سزاوار است این مصیبت بزرگ کوه های بلند را آب کند.

یعنی انقدر مصیبت سنگین است.

وغارت نجوم واقشعرت كواكب و هتك أستار وشق جيوب

ستارگان در این شهادت امام حسین بر هم ریختند و نابود شدند و ستارگان لباس های تنشان را پاره

کردند و گریبان چاک کردند.

یعنی مصیبت امام حسین نه تنها مردم زمین بلکه ستارگان آسمان را هم به گریه آورد و عزادار کرد، یک

جمله ای دارد می گوید:

فمن مبلغ عني الحسين رسالة؟

چه کسی است که نامه ی مرا به حسین برساند؟

و إن كرهتها أنفس و قلوب

اگر چه بعضی از قلب ها تحمل این را ندارد.

یعنی می گوید بعضی از اهل سنت افراطی تحمل این جمله ی من که من نامه ای به حسین بنویسم را

ندارند. یا اینکه قلب ها و جان ها تحمل این مصیبت را ندارند. بعد می گوید:

قتيل بلا جرم كأن قميصه صبيغ بماء الأرجوان خضيب

حسینی که بی گناه در صحرای کربلا به شهادت رسید گویا پیراهن او به رنگ سرخ آغشته شده است.

تا آن جایی که می گوید.

لئن کان ذنبی حب آل محمد

اگر گناه من این است که من علاقه ای به آل محمد دارم.

فذلك ذنب لست عنه أتوب.

اگر گناه من امروز محبت اهل بیت است از این گناه هرگز توبه نخواهم کرد.

هم شفعا ئی یوم حشری وموقفی وبغضهم للشافعی ذنوب

شفیعان من در قیامت همین آل بیت پیغمبر هستند. گرچه بعضی ها محبت شافعی را گناه شمرده

باشند. با این حال این گناه را قبول دارم و از این گناه توبه نمی کنم و امید شفاعت به اهل بیت دارم.

آقایان می توانند مراجعه کنند مقتل الحسین جناب اخطب الخواطب خوارزمی چاپ جدید صفحه ی ۱۲۶،

البته جناب قندوزی هم این اشعار را از قول ایشان در ینابیع الموده ج ۳ ص ۱۹۹ آورده است چاپ ۳ جلدی است

که جدیداً چاپ شده است.

مجری:

خیلی ممنون حاج آقا، شعری که حضرت عالی فرمودید از امام شافعی بود یکی از ائمه ی اهل سنت که

این اشعار را گفته است. انسان در نگاه اول احساس می کند که این شعر را یک شیعه سروده است. ولی وقتی

نگاه می کند یکی از امامان اهل سنت این مطلب را در مورد امام حسین و اهل بیت مطرح می کند. خیلی جذاب

و زیبا است برای ما، و این همان چیزهایی است که ما باید حساب آقایان اهل سنت را از وهابی ها جدا بکنیم.

حاج آقا حالا می خواهیم یک ذره بیاییم پایین تر از علمای شاخص و علمای بزرگ اهل سنت آیا باز کسی

را داریم که درباره ی امام حسین علیه السلام مرثیه سرایی کرده باشد؟

حضرت آیت الله آقای حسینی قزوینی:

بله این کاملاً مسئله واضح و روشن است. از امام شافعی که گفته شد من فراموش نکنم این را ما بارها خوانده ایم، اخیراً دیوان امام شافعی چاپ شده است. در همان ج ۱ ص ۲۵ نسبت به اهل بیت پیغمبر که دارد.

أَلُ النَّبِيِّ ذَرِيَّتِي وَ هُمْ إِلَيَّ وَسِيلَتِي أَرْجُو بِهِمْ أُعْطِيَ غَدًا بِبَيْتِ الْيَمِينِ

صَحِيفَتِي.

ای آل پیغمبر شما تکیه گاه من و پناهگاه من هستید و این آل بیت پیغمبر وسیله ی من در نزد خدا هستند و به وجود اینها متوسل می شوم.

امیدوارم به برکت اهل بیت فردای قیامت پرونده ی من به دست راست من باشد.

این قضایا کاملاً واضح و روشن است که در آن هیچ شک و شبهه ای نیست. و امام شافعی نزدیک ترین ائمه اهل سنت به مذهب شیعه است، البته ما نمی خواهیم بگوییم دیگران عداوت دارند. ولی امام شافعی در محبت اهل بیت یک سر و گردن نسبت به دیگران بالاتر است، در شیعه ها هم هستند افرادی که عشق شان از دیگران بالاتر باشد. البته نمی خواهیم در مقام نفی دیگران و یا مذمت دیگران باشیم. ما ان شاء الله خواهیم خواند خود ابوحنیفه اشعاری در توسل دارد، احمد بن حنبل مطالب خیلی اساسی در توسل به اهل بیت دارد. اما در رابطه با علمای شاخص، آنچه که در ذهن من است از عمرو بن بحر جاحظ، ایشان متوفی ۲۵۵ هجری است که کتاب العثمانیه را علیه شیعه نوشت حتی آن جا منکر شجاعت امیر المومنین شد، ولی بسیاری از بزرگان اهل سنت و شیعه جواب نوشتند و ایشان آدم منصفی بود و سپس علیه کتاب خودش کتاب نوشت.

ما دوست داریم که اگر یک عزیز سنی متوجه می شود و برایش محرز می شود که مسیرش اشتباه است، این چنین مردانه بیاید میدان اشتباه خودش را جبران کند. چون در دنیا همه چیز قابل تحمل است ولی فردای قیامت به هیچ وجه این قضایا قابل تحمل نیست. در کتاب رسائل جاحظ رساله ی ۱۱ در صفحات ۱۲، ۱۳ و ۱۴ در رابطه با قضایای امام حسین سلام الله علیه خیلی حماسی حرف زده است. می گوید:

ثم الذي كان من يزيد إبنه و من عماله و أهل نصرته

تا آن جا که می گوید فرزند معاویه که چه جنایت ها انجام داد و زنان مدینه را برای یاران و لشگریانش

مباح کرد، مکه را به منجنیق بست تا آن جا که می گوید و شهادت امام حسین با اهل بیتش که

مصایح الظلام.

در حقیقت این ها ستارگان درخشان در شب تار هستند.

و اوتاد الإسلام

این ها استوانه ها و پایه ها و رکن اسلام بودند این ها را به شهادت رساند و حرم او و اهل بیت او را به

شهادت رساند و از هر جنایتی نسبت به آن ها فروگذار نکرد.

بعد جالب این است که می گوید:

كيف نضع بنقر القضيب بين سنتي الحسين و حمل بنات رسول الله على الاقطاب العاريات و الإبل الصعاب.

اگر همه چیز را ما بتوانیم تحمل کنیم چه کنیم با این مسئله که یزید بن معاویه با چوب بر لب های

خشکیده ی امام حسین می زد و زن و بچه ی امام حسین را بر شتران بی محمل سوار کرد و شهر به شهر این

ها را گرداند.

خبرونا على ما تدلّ هذه القسوة!؟

ای مردم به من بگوید این قساوت و این غلظت بر چه دلالت می کند؟ یزید با این کارش چه قصدی

داشت؟

اتدلّ على نصب و سوء رأی و حقد و بغضاء و نفاق؟

آیا این کار یزید دلالت می کند که یک ناصبی بوده بد رای و آن کینه توزی های بد در دلش بوده و منافق

بوده و به یقین هم این بوده.

أم تدلّ على الإخلاص و حبّ النبي و الحفظ له!؟

یا این کاری که یزید کرد نشانگر اخلاص او و علاقه او به پیغمبر بوده؟! این است واقعا؟! یا نه نشانگر

نفاق او است؟!

بعد جالب است ایشان می گوید آن چه که ما گفتیم حداقل نشان می دهد که یزید فاسق و گمراه است.

و ذلک ادنی منازلہ

این دیگر کوچک ترین چیزی است که ما در رابطه با یزید می توانیم تصور کنیم که یک فاسق و گمراه

بوده.

بعد می گوید:

فالفاسق ملعون و من نھی عن لعن الملعون ملعون.

فاسق که یزید باشد ملعون است و کسی که از لعن یزید جلوگیری کند آن هم ملعون است.

خیلی جالب است.

مجری:

یعنی قبلا جاحظ خودش این طور نبوده و تعابیر تندى داشته ولی بعدا از نظرش برگشته است.

حضرت آیت الله آقای حسینی قزوینی:

بله، مخصوصا جناب آقای اسکافی از علمای بزرگ اهل سنت است و از شخصیت های برجسته است،

ایشان در برابر جاحظ ایستاد، یکی از کسانی که ردیه برای جاحظ نوشت خود آقای اسکافی است، از شخصیت

های بزرگ قرن سوم هجری است یعنی ایشان قبل از آن که مثلا بزرگان شیعه مثل شیخ مفید ردیه بنویسند علیه

جاحظ ردیه نوشت. یک آدم مؤدب و معتدلی بود، آدم متعصبی نبود.

یکی از استوانه های علمی اهل سنت، که اهل سنت به او می بالند، حتی وهابی ها سخنان او را به عنوان

الگو قبول دارند قاضی عبد الجبار معتزلی است، ایشان متوفی ۴۱۵ هجری است، معاصر بود هم با سید مرتضی و

هم با شیخ مفید، کتابی دارد به نام المغنی فی الامامه که علیه شیعه نوشته است. سید مرتضی کتاب الشافی فی الامامه را در نقد او نوشته است. همین آقای عبد الجبار معتزلی در رابطه با امام حسین تعبیری دارد. معتزلی ها امر به معروف و نهی از منکر را یکی از اصول اعتزال می دانند. همان طوری که ما می گوییم امامت از اصول مذهب ما است، معتزله هم امر به معروف را رکن مذهبشان می دانند. بعد ایشان می آید اهمیت امر به معروف و نهی از منکر را مطرح می کند، می گوید:

و علی هذا يحمل ما كان من الحسين بن علي

اینکه امام حسین آمد در برابر یزید و یزیدیان که گناه و معصیت می کردند، قیام فرمود بر اساس همین اصل امر به معروف و نهی از منکر است.

که همان

إنما خرجت لطلب الإصلاح في أمة جدي و آن آمر بالعمروف و أنهی عن المنکر.

المجلسي، محمد باقر _متوفای ۱۱۱۱ق_، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ۴۴، ص ۳۲۹، تحقیق:

محمد الباقر البهبودي، ناشر: مؤسسة الوفاء - بيروت - لبنان، الطبعة: الثانية المصححة، ۱۴۰۳هـ - ۱۹۸۳م.

که در منابع شیعه و سنی عبارت امام حسین سلام الله آمده است. می گوید امام حسین با این کارش خواست این اصل بزرگ دینی که امر به معروف باشد را احیا کند.

كان في صبره على ما صبر إعرزاز لدين الله عز و جل.

این مقاومت (امام) حسین و امر به معروف (امام) حسین و شهادت (امام) حسین در حقیقت باعث عزت دین شد.

این جا ما باید بگوییم آن کارشناسی که می گوید چه فایده ای داشت شهادت امام حسین؟ بگوییم دهند بشکند و خاک بر دهند! به اندازه ی یک قاضی عبد الجبار معتزلی هم تو وجدان نداری، انصاف نداری، می گفت چه فایده ای داشت؟ غیر از این که مردم را به کشتن داد. می گوید:

إعزاز لدين الله عز و جل.

شهادت امام حسين دين را عزت بخشيد.

يعنى اگر قيام امام حسين نبود اجداد نحس شما بنى اميه اسلام و دين و قرآن را نابود کرده بودند و اثرى

از دين نمانده بود، اين قيام امام حسين بود که حيات ديگرى به دين داد. بعد جالب اين است که قاضى عبد

الجبار معتزلى به كورى چشم وهابى ها مى گويد:

و لهذا نباهى به سائر الأمم.

ما به شهادت امام حسين و به وجود امام حسين بر تمام امتها فخر مى فروشيم.

جمله خيلى زيبايى است.

لما كان في صبره على ما صبر إعزاز لدين الله و لهذا نباهى به سائر الأمم.

ما به وجود امام حسين و به اين جانبازى اش نسبت به ديگر ملت ها افتخار مى كنيم.

فنقول:

مى گويم:

لم يبق من ولد الرسول إلا سبط واحد.

از ذرارى پيغمبر يك فرزند بيشتر نمانده بود.

فلم يترك الأمر بالمعروف و النهى عن المنكر حتى قتل دون ذلك.

همين تنها فرزند پيغمبر تنها يادگار پيغمبر امر به معروف و نهى از منكر را ترك نكرد تا در راه امر به

معروف و نهى از منكر به شهادت رسيد.

آقاين مراجعه كنند اصول خمسه از آقاى قاضى عبد الجبار معتزلى ص ۱۴۲.

خیلی ممنون حاج آقا، متشکریم از این صحبت های حضرت عالی، و واقعا ناراحت هستیم که وهابی ها این حرف ها را می زنند و می گویند چه فایده ای داشت؟ و حضرت عالی هم دلیلش را فرمودید که وقتی اجدادشان یا موالی شان می گویند:

لعبت هاشم بالملك فلا خبر جاء و لا وحی نزل

(بنی هاشم با ملك و حكومت بازی كردند و نه اخبار الهی و نه قرآن و وحی در كار نبود!)

الطبري، أبو جعفر محمد بن جرير بن يزيد بن كثير بن غالب _متوفای ۳۱۰ ق_، تاريخ الطبري، ج ۸، ص

۱۸۸، تحقيق، مراجعة وتصحيح وضبط : نخبة من العلماء الأجلاء، ناشر : مؤسسة الأعلمي للمطبوعات - بيروت

این ها هم باید این حرف ها را بعد از ۱۴۰۰ سال بگویند! و از آن طرف هم می بینیم که علمای اهل سنت چه کار کردند درباره ی شهادت امام حسین علیه السلام. خیلی ممنون هستیم اگر عزیزان اجازه بفرمایند و حاج آقا هم اجازه بفرمایید یک فرصت کوتاهی از اتاق فرمان بگیریم و ان شاء الله برگردیم خدمت شما عزیزان.

خیلی ممنون هستیم از شما بیننده ی عزیز که تا این لحظه همراه ما بودید ان شاء الله تا پایان برنامه همراهی بفرمایید. مجددا عرض تسلیت داریم دهه ی حسنیه را که از اربعین امام حسین است تا پایان صفر بسیار نام گذاری زیبایی است برای این که ما یاد و ذکر امام حسن علیه السلام را برجسته کنیم و به یاد این امام مظلوم باشیم. حاج آقا اگر اجازه بفرمایید ما یک سوال دیگر هم از حضرت عالی پرسیم، حالا در این فاصله همکاران، شماره را هم زیر نویس می کنند و منتظر صدای گرم عزیزان هستیم که ان شاء الله در پایان صدای گرم شما عزیزان را بشنویم تا برنامه مورد استفاده ی بینندگان عزیز قرار بگیرد.

بحث ما بحث مرثیه خوانی توسط علما و ائمه ی اهل سنت بود که آیا اهل سنت یا علمای اهل سنت به قضیه ی عاشورای امام حسین اهمیت داده اند؟ آیا تجلیل کرده اند؟ مرثیه سروده اند و یا نه؟ و این مباحث که وهابیت دارند تکفیر می کنند و مقابله می کنند و می گویند که این بدعت است و این کاری که شما دارید انجام

می دهید. اصلا این در اسلام نیست و این ها را استاد خیلی زیبا جواب دادند. حالا تتمه ی مباحث سوال من این است : آیا ابن جوزی که یکی از علمای مشهور اهل سنت است در عزای امام حسین علیه السلام شعری سروده است؟

حضرت آیت الله آقای حسینی قزوینی:

بله، شعری از ایشان مشهور است در بحث اینکه سر امام حسین کجا دفن شده است و بدن کجا دفن شده است؟ ابن جوزی در تذکرة الخواص صفحه ۲۲۶ می گوید سر حسین هر کجا دفن شده است و بدن مطهر هر کجا دفن شده است.

فهو ساکن فی القلوب و الضمائر.

این در قلب های همه ی ما مردم است. در باطن همه ی مردم است.

بعد این شعر را فی البداهه سروده است.

لا تطلبوا المولى حسين بأرض شرق أو بغرب.

ای مردم حسین را در شرق و غرب عالم نجوید.

و دعوا الجميع

شرق و غرب عالم را بگذارید کنار.

و عرجوا نحوي

همه بیایید طرف من.

فمشهده بقلبي.

قبر امام حسین در قلب من است. جایگاه حسین در قلب من است.

خیلی شعر زیبایی است.

لا تطلبوا المولى حسين * بأرض شرق أو بغرب

ودعوا الجميع وعرجوا * نحوي فمشهده بقلبي.

جایگاه حسین در قلب من است هرکس آمد حسین را زیارت کند بیاید نزد من ببینید واقعا حرم حسین و قبر حسین و جسد حسین و سر حسین در قلب من است.

جالب این است که ابن کثیر دمشقی سلفی ضد امام علی و ضد امام حسین در شرح حال ابن جوزی این ها را که می آورد می گوید یک روزی ابن جوزی رفته بود بالای منبر صحبت می کرد از ایشان خواستند که در رابطه با شهادت امام حسین و کیفیت شهادت امام حسین صحبتی بکند وقتی ابن جوزی اسم شهادت و مقتل حسین را شنید سکوت کرد و دیگر نتوانست حرف بزند، بغض گلویش را گرفت دستمالی از جیبش در آورد بر صورتش نهاد و شروع کرد بالای منبر گریه کردن. هر کاری کرد که سخنی بگوید نتوانست بگوید فقط این شعر را گفت و از منبر آمد پایین.

ویل لمن شفعاؤه خصماؤه.

وای بر آن ملتی که شافعین او فردای قیامت خصم او هستند.

یعنی این دودمان آل امیه که امید داشتند پیغمبر از آن ها شفاعت کند ولی پیغمبر فردای قیامت خصم آن ها خواهد بود و مدعی آن ها خواهد بود.

ویل لمن شفعاؤه خصماؤه و الصور فی نشر الخلائق ینفخ.

ابن کثیر الدمشقی، ابوالفداء إسماعیل بن عمر القرشي _متوفای ۷۷۴ ق_، البداية والنهاية، ج ۱۳، ص ۲۲۷،

تحقیق و تدقیق و تعلیق : علی شیري، چاپ : الأولى، ناشر : دار إحياء التراث العربي - بیروت، سال چاپ : ۱۴۰۸

- ۱۹۸۸ م

آن زمانی که در قیامت صور اسرافیل دمیده شود همه مردم بیایند و همه به دنبال شفیع می گردند سراغ پیغمبر می روند تا در سایه سار پیغمبر از آن مشکلات از آن گرفتاری های سخت قیامت نجات پیدا کنند ولی قاتلین امام حسین خواهند دید حضرت رسول اکرم خصم این ها و دشمن این ها خواهد بود.

لا بد أن ترد القيامة فاطم و قميصها بدم الحسين ملطخ.

ناگزیر سرانجام حضرت زهرا وارد قیامت می شود و حال آن که در دست او پیراهن آغشته به خون امام حسین است.

البته این تعبیر در منابع شیعه هم هست که حضرت صدیقه ی طاهره وقتی به قیامت می آید، پیراهن خونین سید الشهداء را می آورد به حضرت رسول اکرم شکایت می کند که یا رسول الله حسین چه گناهی کرده بود؟ چه کرده بود که او را عطشان در کنار شریعه ی فرات شهید کردند و او را قطعه قطعه کردند؟ و لذا ابن جوزی هم دارد.

لا بد أن ترد القيامة فاطم و قميصها بدم الحسين ملطخ.

حالا نمی دانم این شعر را به چه نحوی و به چه نیتی گفته است! ولی ما بر این باور هستیم هر کسی در برابر حسین تعظیم کند، در برابر شهادت حسین سر تعظیم فرود بیاورد و تجلیل کند ولو دشمن هم که باشد امام حسین یک دشمن را هم از درگاهش نا امید نمی کند. برادر بزرگوارمان جناب آقای دکتر نیک نام که الان هم در آمریکا هستند حدود یک ماه و اندی است، در ایالت های مختلف آنجا سخنرانی دارند و امروز صبح هم ما با ایشان تلفنی صحبت داشتیم. ایشان برای من نقل می کرد که در یکی از این ایالت ها - که من دقیقا در ذهنم نیست کدام ایالت را گفتند- جمعیت زیادی آمده بودند پای صحبت من بخشی از این مردم مسیحی ها بودند بعد از این که صحبت من تمام شد یکی از مسیحی ها که ظاهرا از رهبران مذهبی شان بود آمد نزد من نزدیک تریبون گفت آقای دکتر نیک نام! ببین خدای ما با شما دو تا است، پیغمبر ما با شما دو تا است، کتاب ما با شما دو تا است، ولی امام حسین و ابوالفضل ما یکی است! خیلی جالب بود، یعنی الان حتی خود مسیحی ها نسبت به امام حسین عشق می ورزند.

یک کتابی را آقای «آنتوان بارا» یک دانشمند و شاعر مسیحی نوشته است. تقریبا حدود پانصد و اندی صفحه است، در سایت های مختلف هم گذاشته اند.

الحسين في الفكر المسيحيه

خدا می داند به قدری زیبا نوشته است این کتاب را، به قدری حماسی سروده است که ای کاش این کتاب به فارسی ترجمه شده بود من هم تقاضا دارم آن دسته از عزیزانی که قلم فارسی حماسی دارند، همان طوری که کتاب آقای جرج جرداق مسیحی را با قلم خیلی حماسی ترجمه کرده اند بیایند این کتاب

الحسين في الفكر المسيحيه

را ترجمه کنند ولی ترجمه ی حماسی کنند. به قدری زیبا، عالی، این مرد درباره ی امام حسین سخن گفته است آدم صفحه ی اول را شروع می کند به خواندن سیر نمی شود. یعنی هر چه آدم می خواهد کتاب را ببندد دلش نمی آید. با آن جمله ای هم که من بارها عرض کردم که ایشان می گوید اگر حسین از ما مسیحی ها بود در تمام کوی و شهر و روستا منبری می زدیم و پرچمی می زدیم به نام حسین، مردم را در زیر این پرچم به طرف دین مسیحیت دعوت می کردیم. این انصاف یک مسیحی است و این هم بی انصافی این آقایان وهابی ها است. این شعر آقای سبط بن جوزی که در رابطه با حضرت سید الشهداء داشتند آقایان مراجعه کنند ما آدرس خیلی دور هم نمی دهیم از بحار الانوار و کتابهای شیعه آدرس نمی دهیم. کتاب البدایه و النهایه ابن کثیر دمشق ج ۱۳ ص ۲۲۷، البته بر مبنای مکتبه ی اهل البیت یا اگر چاپها مختلف باشد، در بخش حوادث ۶۵۴ هجری این قضیه نقل شده است.

مجری:

حاج آقا به عنوان آخرین سوال خدمت شما عرض بکنم. آیا نمونه ای از عزاداری اهل سنت که برای

بزرگانشان داشته اند در تاریخ ثبت شده است؟

حضرت آیت الله آقای حسینی قزوینی:

موارد زیادی ما داریم. قضیه‌ی ابن جوزی، قضیه‌ی جوینی استاد ذهبی، که این‌ها چه کارهایی انجام داده‌اند. در مرگ ابن تیمیه چه کارها و عزاداری‌هایی این‌ها کرده‌اند. همه‌ی این‌ها هست. ولی من در رابطه با همان ابن جوزی نسبت به امام حسین - اگر دوستان مانیتور من را بتوانند نمایش بدهند من ممنون می‌شوم - ابن حجر هیثمی در کتاب الصواعق المحرقة جلد ۲ صفحه ۳۶۱، نقل می‌کند:

قال ابن الجوزي فيما حكاه سبطه عنه،

سبط ابن جوزی از جدش ابن جوزی نقل می‌کند.

ليس العجب من قتال ابن زياد للحسين وإنما العجب من خذلان يزيد وضربه بالقضيب ثانيا الحسين

وحمله آل رسول الله سبایا علی أقتاب الجمال

می‌گوید تعجب نیست از این‌که ابن زیاد به شهادت امام حسین سلام الله علیه اقدام کرد. بلکه تعجب

این است که یزید بن معاویه باعث خذلان اهل بیت شد و خیزران بر لب‌های خشکیده‌ی امام حسین زد و آل

پیغمبر را بر شترهای بدون محمل سوار کرد و برد.

بعد ایشان می‌گوید:

ذكر أشياء من قبيح ما اشتهر عنه و رده الرأس إلى المدينة و قد تغيرت ريحه

تا آن‌جا که می‌گوید این جنایاتی که یزید در حق امام حسین کرد.

أفيجوز أن يفعل هذا بالخوارج.

آیا جائز است با خوارج چنین کاری بکنیم که یزید با امام حسین و اهل بیتش کرد؟!!

با این‌که به اجماع مسلمین خوارج و بغات کفن می‌شوند و برایشان نماز (میت) خوانده می‌شود و دفن

می‌شوند. اگر خارجی هم بود امام حسین باید چه کار می‌کردند جنازه‌ی او و اهل بیتش را کفن می‌کردند و نماز

می‌خواندند و دفن می‌کردند. ولی تمام دنیا می‌داند عبید الله بن زیاد و عمر سعد لعنت خدا بر این‌ها باد این

ها روز یازدهم جنازه ی لش های خودشان را دفن کردند ولی جنازه ی پاک امام حسین و شهدا را گذاشتند ماند جلوی آفتاب، بعد می گوید:

و لو لم یکن فی قلبه أحقاد جاهلیه و أضغان بدریه.

اگر در قلب یزید آن کینه های دوران جاهلیت و کینه های جنگ بدر نبود.

لاحترم الرأس لما وصل إلیه.

حداقل سر مطهر امام حسین را بردند جلویش و دید احترام می کرد.

و کفنه و دفنه و أحسن إلی آل رسول الله.

حداقل این سر مطهر امام حسین را دفن می کرد و کفن می کرد و نسبت به آل پیغمبر احترام می کرد.

ولی آن چه که محرز است در قلب یزید آن احقاد جاهلیه و اضغان و کینه های بدر بوده و می خواسته این

ها را در حق آقا امام حسین سلام الله علیه ابراز کند. نه اینکه بگوید:

لیت أشیاخی بیدر شهدوا جزع الخزرج من وقع الأسل

لعبت هاشم بالملک فلا خبر جاء و لا وحی نزل

(کاش پدران و اجداد من در بدر می بودند و می دیدند ناله کشتگان از دم شمشیر خزرج را می شنیدند

... بنی هاشم با ملک و حکومت بازی کردند و نه اخبار الهی و نه قرآن و وحی در کار نبود!)

الطبري، أبو جعفر محمد بن جریر بن یزید بن کثیر بن غالب _متوفای ۳۱۰ ق_، تاریخ الطبري، ج ۸، ص

۱۸۸، تحقیق، مراجعة وتصحيح وضبط : نخبة من العلماء الأجلاء، ناشر : مؤسسة الأعلمی للمطبوعات - بیروت

بینید یزید می گوید: کاش آن بزرگان ما در بدر بودند و شاهد بودند می گفتند: یزید! آفرین! دستت درد

نکند که چنین جنایتی در حق اهل بیت پیغمبر انجام دادی!

مجری:

متشکریم. حاج آقا بینندگان خیلی وقت است که پشت خط هستند و عذر خواهی هم می کنیم از این که پشت خط ماندید. سلام و عرض ادب دارم خدمت جناب آقای خاکی از کاشان.

بیننده:

سلام علیکم. من دست حضرت آیت الله قزوینی را از راه دور می بوسم.

حضرت آیت الله آقای حسینی قزوینی:

لطف دارید شما.

بیننده:

من به خدا، به جده تان زهرا، مادرتان فاطمه ی زهرا برای برنامه ای که شما تشریف می آورید ساعت شماری می کنم. بله! حضرت آیت الله قزوینی گفتند بر رخ حق نتوان پرده ی باطل پوشید و تجلی حقیقت همه جا جلوه گر است. من یک سوالی دارم از آن شبکه ی وهابی که آقای خدمتی می فرمایند که قبر پرست و مرده پرست و این ها نباشید و گریه نکنید، می خواهم بگویم آقای خدمتی چطور شده شما برای مادرتان به اصطلاح ام المومنین گریه کردید؟ چرا ما گریه نکنیم برای مصیبت امام حسین؟ اگر یک ذره غیرت می داشتید همین که شما می آید در رسانه تان می گوید که امام حسین نمی دانست و رفت کربلا، چرا رفت؟ اگر هم نمی رفت شما می آمدید در همین شبکه هایتان می گفتید چرا نرفت؟ دعوتش کردند چرا نرفت؟ حضرت آیت الله قزوینی من ۲ تا سوال از شما دارم: سوال اول اینکه چرا با وجود اینکه پیغمبر ۹ تا همسر داشته، این شبکه های وهابی اینقدر روی عائشه مانور می دهند؟ این سوال اول من است.

سوال دوم اینکه: - من کتاب خیلی خوانده ام - فقط می خواهم از دو لب مبارک شما بشنوم این امام حسین چه کار کرده با این دل ها؟ چه کار کرده است؟ می خواهم به شبکه های وهابی بگویم: به کوری چشم تان دیروز ۱۷ میلیون نفر در اربعین در حرم امام حسین بودند.

حضرت آیت الله آقای حسینی قزوینی:

اجازه بدهید سوالاتی که جواب خیلی کوتاه دارد من کمتر از نیم دقیقه عرض کنم. این را ما بارها جناب آقای خاکی عرض کرده ایم علت اینکه این ها به معاویه می گویند خال المومنین ولی برادر عائشه محمد بن ابی بکر نه! چون معاویه با حضرت علی ۱۸ ماه جنگیده، در میان زنان پیغمبر هم عائشه ام المومنین است ولی حضرت خدیجه نیست و (حتی) حفصه هم نیست، به خاطر این که عائشه توانست یک لشگر انبوهی بیاورد در بصره با حضرت علی بجنگد. غیر از اظهار عداوت با امیر المومنین چیز دیگری نیست و این ۱۷ میلیون ما واقعا خاک پای این عزاداران امام حسین را توتیای چشم مان می کنیم و هر چه وهابی ها بیشتر فشار بیاورند، یعنی به فتر هر چه بیشتر فشار بیاید این فتر بیشتر جهش می کند به کوری چشم وهابی ها هر چه دشمنان بیشتر علیه شیعه و اهل بیت و امام حسین سرمایه گذاری کنند عشق اهل بیت و آن آتش سوز آقا امام حسین در قلب ها شعله ورت می شود.

مجری:

خیلی ممنون.

جناب آقای علی از هرمزگان از برادران اهل سنت. سلام علیکم.

بیننده:

سوالی داشتم. می خواستم ۱۰ تا اختلاف اهل سنت و وهابیت را بیان کنید.

اختلافاتی را بیان بکنید که برای هر کسی مشخص بشود کدام گروه وهابی هستند و کدام گروه اهل سنت هستند.

مجری:

سوال خوبی است. درود بر شما علی آقا. جناب آقای رحیم سلام عرض می کنم از تهران از شیعیان.

بیننده:

سلام علیکم خدمت آقای محسنی و خدمت حضرت آیت الله قزوینی.

حاج آقا قزوینی ببخشید من هفته ی گذشته می خواستم جواب نقش صحابه در قتل امام حسین را بدهم. اگر اجازه بدهید اول یک جمله آن را بگویم و بعد ادامه بدهم.

می گویند شخصی رفت پای یک دریاچه لجنی، البته ببخشید این تعبیر را به کار

می برم، یک زنجیری را دید گفت من عامل لجن زار را پیدا کردم این دانه ی زنجیر را گرفت کشید بالا

دید ۵ یا ۶ تا دانه ی دیگر به این آویزان است، گفت خیلی خوب شد حالا من یک دانه می خواستم ۶ تا پیدا کردم.

باز هم کشید دید به هر کدام از این دانه ها ۶ دانه دیگر آویزان است! همین طور کشید، کشید، کشید، تا به یک

جایی رسید که ۲ حالت برایش پیش آمد، یکی این که ترسید دیگر زورش نرسد این را بکشد بالا، و یکی دیگر

این که اگر بکشد بالا معلوم نیست چه چیز های دیگر بیرون می آیند! حالا الان هم در این قضیه همه لعنت به

یزید می فرستند ولی بر معاویه می بینید خیلی کمتر می شود. حالا کسان دیگر هم پایشان به وسط می آید. این

اولین نکته.

دومین نکته ادامه ی صحبت هایم را می خواهم با یک سوال از حاج آقا قزوینی ادامه بدهم. من حدیثی

را، جمله ای را یک جا دیدم که ۱۰ نفر در بهشت هستند که این ها همسایه های پیامبر هستند. حالا می خواهم

بدانم حاج آقا سندی، چیزی در ذهن دارند؟ اولاً هابیل و قابیل و دوم ابراهیم و نمرود، سوم موسی و فرعون،

چهارم هارون و سامری، پنجم همسر فرعون و همسر حضرت لوط! این ۱۰ نفر می گویند همسایه های پیامبر هستند.

مجری:

یعنی فرعون هم همسایه ی پیامبر است؟

بیننده:

همسایه ی پیامبر است.

مجری:

همسر لوط؟

بیننده:

بله همسر فرعون و همسر حضرت لوط!

مجری:

همسر فرعون؟

بیننده:

بله آسیه، ذهنیت شما از این چیست؟

حضرت آیت الله آقای حسینی قزوینی:

چنین چیزی بنده نشنیده ام.

بیننده:

نمی شود دیگر، مگر می شود هابیل و قابیل، هر دو تای آنها باشند! حالا این عشره مبشره که می گویند

مگر می شود درست باشد؟!

منظور من این بود که نمی شود علی و معاویه ؛ حرف من این است نمی شود علی علیه سلام و معاویه

هر دو تای آن ها رضی الله عنه بشوند!

مجری:

۲ دقیقه ات تمام شد آقا رحیم.

بیننده:

۳۰ ثانیه ی دیگر به من وقت بدهید. در یکی از مراسم می گفتند در عربستان آمده بودند بمب زدند که

صدای این ها شنیده نشوند بدتر مردم جلب شدند و شنیدند که مردم دارند چه می گویند. مثلا مرگ بر فلان و

این ها، حالا این سر و صداهایی که این شبکه ها می کنند حداقل اش این است که کمک کردند به من شیعه که

تا به حال به این قضایا حساس نبودم بروم تحقیق کنم. خیلی مسائل برای من روشن بشود. اگر الان می گویم

شیعه هستم با قدرت بگویم. از هیچ شبهه ای هم نمی ترسم. الان در این شبکه شان چند روز پیش می گفتند

علی انقدر فقیر بوده که اصلا انگشتر نداشته که بدهد. یا می گفتند حضرت فاطمه ی زهرا که با دو تا خلیفه صحبت

نکرده، این رسم نبوده، هیچ زنی با مرد صحبت نمی کرده، از آن طرف داریم که خیلی ها می رفتند غسل یاد می

دادند به مردهای نا محرم، یا مسائل دیگر! حاج آقا وقت من گذشت عیبی ندارد این را بگذارید به حساب آن

دوستانی که ۳۵ دقیقه، ۳۵ دقیقه می گویند اسم خودمان را بلد نیستیم و به آن ها وقت می دهید. به من امروز

قدری بیشتر وقت بدهید.

مجری:

نه نگاه کنید گر چه این تهیه کننده ی ما یک ذره رأفتش بیشتر شده است ولی واقعا بیشتر از ۳۰ ثانیه دیگر وقت نمی دهد. خیلی ممنون هستیم. جناب آقای قادری از کردستان از برادران اهل سنت سلام و عرض ادب دارم.

بیننده:

سلام . من ابتدا عرض خسته نباشید دارم خدمت شما و آقای قزوینی.

مجری:

درود بر شما، ما هم خدمت شما عرض ادب داریم.

بیننده:

من امشب داشتم برنامه ی شما را می دیدم. از صحبت های آقای قزوینی این طور بر می آمد که رابطه ای که اهل سنت با حضرت امام حسین دارند یک رابطه ی عداوت آمیز است. اهل سنت یزید را بر امام حسین ترجیح می دهند. من لازم است که این را بگویم که اصلا چنین چیزی نیست.

مجری:

کدام برنامه این حرف را زده ایم. ما الان داشتیم از علمای اهل سنت و از ائمه ی اهل سنت صحبت می کردیم.

بیننده:

حالا درست است شاید تفکیک بکنند بگویند که وهابی با اهل سنت فرق دارد.

مجری:

الان بحثی که این جا مطرح شد، این بود که حاج آقا گفتند من هندوستان رفتم، افغانستان رفتم، آنها برای امام حسین عزاداری می کنند. اصلا ما قائل به این هستیم که برادران اهل سنت محب اهل بیت هستند، حالا گر چه قبول ندارند از جهت امامت ولی محب اهل بیت هستند.

حضرت آیت الله آقای حسینی قزوینی:

اگر شما شافعی هستید من اشعار امام شافعی را در مصیبت امام حسین خواندم. حتی من خودم گریه ام گرفت این جا.

بیننده:

بله، این را می خواستم خدمت شما عرض کنم در رابطه با مسئله ی عزاداری ، الان ما در خود کتاب های برادران اهل تشیع خروار حدیث داریم در رابطه با این که اصلا در هنگام مصیبت و در هنگام رسیدن مصیبت بر انسان، بی تابی و بی تحملی و بر سر و سینه کوبیدن درست نیست و جایز نیست. مثلا من نمونه اش را خدمت شما عرض می کنم. جناب شیخ مفید در کتاب ارشاد ج ۲ ص ۹۷ چاپ تهران، ایشان آورده اند که حضرت حسین به خواهرشان حضرت زینب فرمودند ای خواهر جان من تو را سوگند دادم و تو به سوگند من وفا دار باش که چون کشته شدم گریبان بر من چاک مکن و چهره مخراش و در مرگ من وا ویلا مگو. علامه کلینی در کافی به سند خودشان از امام موسی بن جعفر آورده اند که فرمود مردی که به هنگام مصیبت دست خود را بر رانش بکوبد موجب تباه کردن اجر خویش می شود. از فروع کافی ج ۳ ص ۲۲۵، همچنین شیخ صدوق به سند خودشان، این ها نشان می دهد که اعتقاد اهل سنت در رابطه با این مسئله که عزاداری و بر سر و سینه کوبیدن درست نیست حتی علمای اهل تشیع هم این را قبول دارند و این را باور می کنند.

حضرت آیت الله آقای حسینی قزوینی:

فرمایشتان تمام شد آقای قادری؟

بیننده:

بله من صحبت تمام شد.

حضرت آیت الله آقای حسینی قزوینی:

ما متوجه شدیم که فرمودید که اهل سنت با اهل بیت عداوت دارند مراد حضرتعالی از اهل سنت، وهابی‌ها هستند. بله ما می‌گوییم وهابی‌ها یعنی حضرت عالی هم که دارید می‌گویید اهل سنت، اهل سنت وهابی، با اهل بیت عداوت داشتند. ولی افرادی مثل امام شافعی، حتی احمد بن حنبل، ابوحنیفه، بزرگانی که ما امشب ذکر کردیم این‌ها وهابی نیستند که با اهل بیت عداوت داشته باشند. و ثانیاً در آن روایت‌هایی هم که حضرت عالی خواندید که گریبان چاک نکن یا وا ویلا نگو، صورت مخراش، ما هم می‌گوییم اگر یک فردی در مصیبت یک فردی بیاید گریبان چاک کند و صورتش را بخراشد قطعاً اشکال شرعی دارد. در آن مسئله ای نیست. حتی فتوا داده اند اگر کسی در عزای عزیزش صورت بخراشد کفاره دارد و دیه دارد، ولی ما از این طرف از حضرت عالی یک سوال می‌کنیم شیعه‌ها در این جا می‌خواهند از عائشه تقلید کنند. عائشه خودش دارد که وقتی پیغمبر اکرم از دنیا رفت.

قمت ألتدم مع النساء و اضرب وجهي

این را آقایان معنا کردند. یعنی به سینه کوبیدن

ألتدم مع النساء و اضرب وجهي

به صورتم می‌کوفتم.

این روایت را احمد بن حنبل در مسندش جلد ۶ صفحه ۲۷۴، ابو یعلی در مسندش جلد ۸ صفحه ۶۳ و ده ها کتاب دیگر نقل کرده اند. حالا اگر یک فرد شیعه آمده می خواهد به سینه اش بزند و به صورتش بکوبد چه اشکالی دارد؟ این جا از عائشه می خواهد تقلید کند. شما چه می فرمایید؟

بیننده:

آقای قزوینی عزیز! اولاً معیار سنجش حدیث مطابقت آن با قرآن است. حدیثی که مخالف با قرآن باشد طبق فرموده ی امام شافعی باید به دیوار کوبیده بشود در ثانی پیامبر اکرم وقتی که مکه را فتح کردند و وارد مکه شدند بیعتی که زنان با ایشان کردند یکی از این بیعت ها این بود که مثل دوره ی جاهلیت سینه زنی و عزاداری نکنند و مطمئناً ام المومنین عائشه بسیار واردتر بوده به این مسئله. کسانی که حدیث ها را جمع آوری کرده اند این ها امانت را رعایت کردند هر حدیثی صحیح بوده یا ضعیف، آورده اند در کتاب شان ذکر کرده اند. این حدیث قطعاً مخالف با قرآن است. حضرت عائشه هم نمی تواند چنین کاری که مخالف با قرآن باشد بکند.

حضرت آیت الله آقای حسینی قزوینی:

حضرت عالی می توانید بفرمایید کدام یک از علمای اهل سنت گفته این روایت مخالف با قرآن است؟! احمد بن حنبل در مسندش آورده است. احمد می گوید من تمام تلاشم این است که روایات صحیح بیاورم اگر دیدید روایتی در کتاب من نیست بدانید آن ریشه ندارد. خود آقای ابن کثیر دمشقی در سیره ی نبویه جلد ۴ صفحه ۴۷۴ آورده است، آقای ابن اثیر در کتاب النهایه فی غریب الحدیث که کتاب لغت است آورده است، آقای ابن منظور در لسان العرب جلد ۱۲ صفحه ۵۴۰ این را آورده است. یعنی بزرگان شما نه تنها رد نکرده اند بلکه در کتاب های لغت در ماده ی «لدم» که آیا معنای «التدم» چیست همه آورده اند، یک نفر هم نگفته است عائشه چنین کاری نکرده است یا این روایت مخالف قرآن است. اولین بار از جناب آقای قادری بزرگوار ما می شنویم که می گوید این عمل عائشه خلاف قرآن است و عائشه چنین کاری نکرده است!

مجری:

آقای قادری! ما در برنامه قضاوت با شما می توانیم فرصت زیاد به شما بدهیم. چون در این برنامه رسم بر این است که وقت صحبت بینندگان دو دقیقه باشد و الان هم اعتراض شیعیان را دیدید که چطور بود. می گویند شما هم به برادران اهل سنت بیشتر وقت می دهید و هم زودتر آن ها را وصل می کنید. الان حضرتعالی نزدیک ۴ یا ۵ دقیقه دارید صحبت می کنید.

حضرت آیت الله آقای حسینی قزوینی:

شب چهارشنبه تشریف بیاورید نسبت به این روایتی که عرض کردم یک تحقیقی هم بکنید به ما پاسخ بدهید. من از شما دو سوال می کنم. اگر شیعه بخواهد از ام المومنین عائشه تقلید کند به صورتش بزند و به سینه اش بزند چه اشکالی دارد؟ شما که ام المومنین عائشه را برای خودتان مقتدا قرار داده اید و روایتی هم از پیغمبر نقل می کنید که فرمود:

خذوا شطر دینکم

یا

نصف دینکم من الحمیرا.

نصف دینتان را از عائشه بگیرید.

ابن اثیر الجزری، ابوالسعادات المبارک بن محمد (متوفای ۶۰۶هـ)، النهایة فی غریب الحدیث و الأثر، ج ۱، ص ۴۳۸، تحقیق طاهر أحمد الزاوی - محمود محمد الطناحی، ناشر: مؤسسة إسماعیلیان للطباعة والنشر والتوزیع - قم - الطبعة: الرابعة، ۱۳۶۴ش.

چرا شما در مصائب به سینه و صورتتان نمی زنید؟! عمل شما مخالف سیره ی قطعی عائشه بوده است!

مجری:

خیلی ممنون هستیم. سلام و عرض ادب دارم خدمت سرکار خانم هاشمی از اردبیل.

بیننده:

سلام عرض می کنم خدمت شما و خسته نباشید.

جناب آیت الله قزوینی من به این شبکه ی حرمله زنگ زدم می خواستم صحبت کنم نشد، آقای حیدری

می گفتند ۷ میلیون زائر رفته اند کربلا، این هم افتخار دارد؟! من به ایشان می گویم که افتخار دارد و ما افتخارمان

امام حسین است.

مجری:

۱۰ میلیونش را کم کردند!

۱۷ میلیون بود. بزرگ ترین اجتماع شیعیان روی کره ی زمین است.

بیننده:

(شعر ترکی)

و من خیلی ممنون از شما واقعا مردم را بیدار کردید.

مثل این ۱۷ میلیون را که ۷ میلیون می کنند اگر تحقیقات شان هم این طور باشد. واقعا همه بیدار می

شوند. خیلی ممنون از شما و خیلی ممنون از آن ها، آقای قزوینی من التماس دعا دارم از شما،

حضرت آیت الله آقای حسینی قزوینی:

خواهش می‌کنم. موفق و مؤید باشید.

یک شعر ترکی هم گفتند. من تکمیل حرف‌های این خواهرمان بگویم و معنا کنم.

این که ما افتخار می‌کنیم به وجود حضرت زینب و افتخار می‌کنیم به وجود امام حسین، زبان حال

حضرت زینب خطاب به یزید است:

یزید و یزیدیان! امثال آقای حیدری! بترسید از روزی که با شما حرم‌له و یزید و عبید الله زیاد باشد و با ما

هم امام حسین و علی اصغر و علی اکبر باشد. از روی زمین و زیر سقف جای گریزی نخواهید داشت.

مجری:

خیلی ممنون حاج آقا. جناب آقای حیدری از بوکان سلام و عرض ادب دارم خدمت شما، از برادران اهل

سنت.

بیننده:

سلام علیکم خدمت علامه ی قزوینی، من شناسنامه ای اهل سنت هستم. از راه دور اول دست حاج آقا

را می‌بوسم. از ته قلب من ارادت دارم. من چه بگویم خدمت آقای قزوینی، کسی که در برابر این همه حجت

ایشان خضوع نداشته باشد واقعا کم دارد. جناب آقای قزوینی می‌خواستم بدانم می‌شود من سی دی از کتب و

فرمایشاتان تهیه کنم چون این جا این مسائل بسیار محدود است. واقعا این فرمایشات گوهربارتان جان من را

متحول کرده است.

مجری:

یکی از راه‌هایش هم سایت موسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر است. اگر این سایت را شما ملاحظه

بفرمایید همه ی مکتوبات آن جا است. بعضی از کلیپ‌ها آن جا است و خود شبکه ی ولایت هم هست.

حضرت آیت الله آقای حسینی قزوینی:

البته ما بعضی از آثارمان تجدید چاپ نشده است و اگر کتابخانه ای داشته باشید آن جا که آقایان اهل سنت هم بیابند استفاده کنند ما آثاری که داریم حدود ۵ یا ۶ جلد کتاب که تألیف شده و بیش از ۵۰ جلد هم به خاطر نداشتن امکانات همین طور دارد خاک می خورد! این ها را ما برایتان می فرستیم و سی دی ها را هم خدمت تان تقدیم می کنیم.

بیننده:

آقای قزوینی خدمت تان عرض کنم که این آقای افغانی که حرف می زند و این آقای امین که در شبکه ی المستقله این ها اهل تشیع هستند. این ها چه برداشتی از شیعه دارند که این طور حرف می زنند؟

حضرت آیت الله آقای حسینی قزوینی:

این آقای هم که آن جا به نام شیعه می رود در المستقله و عمامه ی سیاه هم به سرش گذاشته این مطرود شیعه است و مراجع شیعه از او بیزار هستند و رسماً من دارم اعلام می کنم مراجع عظام تقلید مجموعاً از این سید ناخلف بیزار هستند، مبرا هستند. یکی از فضلاء لبنان که در هیئت علمی دانشگاه بین المللی آل البیت با ما هستند می گفت این آقا چند سال است ماهیانه از عربستان سعودی حقوق رسمی برایش می فرستند! یعنی حقوق بگیر و هابیت است به نام شیعه می رود در شبکه ی المستقله دروغ می بافت. حرف های ایشان و برنامه های ایشان مورد تأیید شیعه نیست تمام شیعه و مراجع عظام تقلید از وجود ایشان بری هستند و تمام سخنان ایشان را سخنان ضد شیعه می دانند. این را رسماً اعلام می کنیم.

مجری:

خیلی ممنون آقای حیدری، اگر سوال دیگری دارید بفرمایید چون ۲ دقیقه ی شما تمام شده است.

بیننده:

جناب آقای قزوینی این آقای که هجمه های عجیبی مخصوصا علیه قرآن دارد یک شخص شخیصی همچون شما پاسخ را بدهد. و این که واقعا شخصیتی همچون شما باید درس آسیب شناسی شیعه را واقعا مطرح کند. حالا بلوتوثی در منطقه ی ما پخش شده است در مورد این که در مکه ۱۰ نفر به وهابیت روی آوردند واقعا جاذبه هایی داشتند که این ها وهابی شدند؟ آسیب شناسی شیعه از زبان شخصیت های علمی مطرح بشود که مکتب اهل بیت مستحکم تر بشود. هر کسی به خودش اجازه ندهد به نام اهل بیت کاری بکند. این عرض های من بود.

مجری:

آقای حیدری این طور صحبت کردید من یک ذره شک کردم. شما نکند از شیعیان باشید؟

بیننده:

من اهل تسنن هستم شناسنامه ای.

حضرت آیت الله آقای حسینی قزوینی:

خود همین آقای حیدری بارها می گوید شبکه ی ولایت را نگاه نکنید، شبهه در ذهن شما ایجاد می کند. حرام اعلام کرده است و فتوا داده، حالا کی ایشان به مرجعیت رسیده و مفتی شده است خدا می داند! وقتی یک فردی که از شبهات خبر ندارد طبیعی است که ممکن است در برخورد با شبهات برایش مشکل ایجاد شود. الان فرض می کنیم در حوزه ی علمیه ی قم شاید نزدیک ۷۰ هزار روحانی است، همه ی آن ها در حوزه ی پاسخگویی به شبهات که تخصص ندارند. یکی متخصص فقه است، دیگری متخصص اصول است، یا متخصص کلام است یا متخصص تفسیر است، الان در خود قم ۱۰ یا ۱۲ تا مرکز تخصصی از کارشناسی عادی گرفته شده است، کارشناسی

ارشد، دکترا، تدریس می شود. هر کدام در رشته ی خودشان هستند. این مطلب را من از آقای ربانی نقل کردم نه از قول خودم، ولی همان ها را ما جلسه داشتیم و صحبت کردیم گفتم آقا شما چه دیده اید؟ این آقای ربانی دارد این طور می گوید؟ سه مورد این ها آوردند گفتند: آقا این سه مورد برای ما خیلی جالب بوده، من جواب دادم همان جا واقعا از وهابیت متنفر شدند و گفتند هزاران لعنت بر این وهابیت و با این ظاهر سازی ها و با این مکرهایی که دارند.

بعد دوستان هماهنگی کردند آن ها تشریف آوردند این جا، گفتیم قضیه چه بوده؟ مسائل را گفتند. بنده در همین مکه یکی از همین دانشجویهای ما تحت تأثیر قرار گرفته بود گفت چنین و چنان است گفتم آن آقای مبلغ تان را بیاور با هم صحبت کنیم. آن دفعه هم عرض کردم سه شب آورد، آیت الله سند و آیت الله طبسی حضور داشتند. شب سوم همان روحانی وهابی رفته بود بیرون گریه کرده بود گفته بود آقا من دیگر با این آخوند شیعه حرف نمی زنم ایشان حرف هایی که امشب زد من در عقائد خودم متزلزل شدم. حتی یک آخوند و مبلغ شان آمد یک ساعت من صحبت کردم گفت آقا من در عقائد متزلزل شدم. به آن جوان می گفت مبدا بروی در این جا بگویند که من آمده ام با آخوند شیعه صحبت کرده ام. من را بیرون می کنند از این هیئت امر به معروف و نهی از منکر! این قضایا هم هست. البته ما می گوئیم آن کسی که واقعا اطلاعات قوی ندارد، مبانی فکری اش مستدل نیست و از شبهات خبر ندارد کتب ضاله و مضله خواندنش حرام است. ولی برای آن کسانی که متخصص هستند اشکال شرعی ندارد بلکه واجب است که بخوانند.

مجری:

خیلی ممنون آقای حیدری که ارتباط برقرار کردید و اینقدر مؤدبانه و خوب صحبت کردید بسیار از شما متشکریم.

آخرین تلفن را هم بگیریم جناب آقای شریفی است از مشهد، سلام عرض می کنم خدمت آقای شریفی.

پیننده:

سلام آقای محسنی، شب شما به خیر، و سلام عرض می کنم خدمت آیت الله، آقا ما باید نذر و نیازی بکنیم تا به شبکه ی شما وصل بشویم. اگر لطف بکنید حداقل یک چهارم وقتی که به اهل سنت می دهید به ما هم بدهید ممنون می شویم!

مجری:

شما این لطف را در حق ما بکنید در جوار ملکوتی امام رضا علیه السلام آن جا دعا بکنید برای دوستان و سلامتی حاج آقا که ان شاء الله خدا به ما توفیق بدهد که بتوانیم خدمت بکنیم به اهل بیت.

پیننده:

خواهش می کنم. من چند تا سوال داشتم از حاج آقا، البته قبل از آن مطلبی در باره ی گفتار حاج آقا عرض کنم که این شبکه های وهابی، شبکه ی کلمه هنوز تبلیغ می کند که صحابه به اجماع به امام حسین گفتند که آقا به کربلا نروید کشته می شوید و از آن طرف هم ادعا می کنند که ما و صحابه بارها گفته ایم خودمان، اهل بیتمان، جانمان، مالمان، فدای امام حسین، حالا من سوالم از این آقایان این است که این ها که علم غیب داشتند و می دانستند که امام حسین می رود آن جا کشته می شود این ها خودشان هم می گویند ما فدای اهل بیت امام حسین بودیم چرا همراهی نکردند امام حسین را؟ تناقض در گفتار ایشان است. حالا من سوالاتی که خدمت حاج آقا مطرح می کنم، سوال اول که از شما دارم در رابطه با مطلبی آمده که امام حسین قبل از این که وارد میدان جنگ بشود به حضرت زینب فرمود که گریه و شیون نکنید، این یک تناقضی می شود در مسائل، این را حاج آقا اگر می شود یک توضیحی بدهند برای ما، مطلب بعدی در رابطه با بحث تحریف قرآن بود که حاج آقا هفته ی پیش داشتند.

مجری:

آن بحث مفصلی بود. دیگر گفته شد.

بیننده:

از حاج آقا خواهش می‌کنم که بعد از این ایام که تمام شد حتما یک روزی در مورد این صحبت بشود که مطلب خیلی مهمی بود. من دو تا سوال داشتم. حاج آقا مگر می‌شود که آیه ای نسخ بشود و آن آیه ی نسخ شده از قرآن حذف بشود؟ چون این آقایان می‌گویند آیه ی رجم که عائشه و جناب عمر قائل بودند، از قرآن نسخ شده و از قرآن حذف شده است. و این خودش تناقضی می‌شود برای قرآن، این یک مسئله.

مجری:

اگر آن آیه زیر تخت ام المومنین باشد و بز خورده باشد آن آیه را؟ بله شاید از آن آیاتی باشد که هباء منثورا شده باشد!

بیننده:

مطلب شما هم درست بود آقای محسنی. سوال بعدی من این است که آقایان روایت‌هایی دارند که قرآن بر ۷ حرف نازل شده است. اولاً این ۷ حرف چیست؟ بعد آیا شیعه هم قائل به این مطلب است؟ و این جا یک سوالی برای من پیش می‌آید اگر واقعا این ۷ حرف بوده به چه دلیل جناب عثمان ۶ حرف دیگر را حذف کرده است این‌ها را سوزانده است؟ چون در زمان پیغمبر آقایانی که از برادران اهل سنت بودند می‌گفتند این ۷ حرف در زمان پیغمبر بوده، اگر این بوده به چه دلیل آن ۶ حرف دیگر را سوزانده اند و حذف کرده اند؟ و اگر ۷ حرف نازل شده است این خودش تناقض پیدا می‌کند با معجزه ی الهی بودن قرآن. چون خود قرآن از آن حالت واحد

بودنش خارج می شود و خودش باعث شبهه و سوال می شود. من سوال هایم تمام شد اگر حاج آقا امری ندارند از خدمتتان مرخص بشوم.

مجری:

متشکر آقای شریفی، درود بر شما.

حضرت آیت الله آقای حسینی قزوینی:

فقط در رابطه با فرمایشات شما تحریف را مفصل آن روز گفته ایم.

و توفي رسول الله و هنّ تقرأ فی القرآن.

پیغمبر که از دنیا رفت این آیات خوانده می شد.

ما آن شب مفصل جواب دادیم که این اصلاً با معنای نسخ سازگاری ندارد. من فقط یک جمله بگویم در رابطه با این که آقایان می گویند صحابه امام حسین را نهی کردند. بله! نهی کردند من فقط یک روایت می خوانم آن هم از البدایه و النهایه از ابن کثیر دمشقی جلد ۸ صفحه ۱۷۶، از کدام صحابه؟ ابو سعید خدری که آقایان برایش خیلی ارزش قائل هستند، خیلی احترام قائل هستند، می گوید من به امام حسین گفتم نروید، امام حسین گفت می روم

قلت له إتق الله فی نفسک.

یا حسین تقوا را رعایت کن.

و ألزم بیتهک.

در خانه ات بمان.

فلا تخرج علی إمامک!

در برابر امام زمانت یزید قیام نکن!

من قضاوت را به عهده ی بینندگان می گذارم. عقل و شعور یک صحابه این است که یزید را امام زمانِ امام حسین می داند! یزید شارب الخمر، یزید سگ باز، یزیدی که با زن پدرش زنا می کند، با خواهر و دخترش زنا می کند، از دیدگاه جناب آقای ابو سعید خدری شده است امام زمانِ امام حسین! من اصلاً چیزی نمی گویم شعور یک صحابی این است! این ها آمده اند به امام حسین می گویند نرو، این هم عرض کردم از کتاب های معتبر سطح اول آدرس داده ام، و ما نمی خواستیم کار به این جا بکشد که بگویند شما احترام صحابه را نگه نمی دارید. البته هیچ حرف هم نمی زنم. قضاوت به عهده ی شما، البدایه و النهایه جلد ۸ صفحه ۱۷۶، آقای عبد الله عمر جزء کسانی است که آمده است می گوید یا حسین نروید برای کربلا! چنین و چنان است. نهی می کند. تاریخ الخلفا صفحه ۲۰۶، همین آقا وقتی که مردم مدینه قیام کرده بودند درباره ی امام حسین سلام الله علیه می گفت که شما به هیچ وجهی حق ندارید در برابر یزید قیام کنید چون من از پیغمبر شنیده ام هر کسی در برابر امامش قیام بکند و فردای قیامت بیاید هیچ حجتی ندارد.

و من مات و لیس فی عنقه بیعة مات میتة جاهلیه.

النیسابوری القشیری، ابوالحسین مسلم بن الحجاج (متوفای ۲۶۱هـ)، صحیح مسلم، ج ۶، ص ۲۲، ناشر:

دار الفکر - بیروت، بی تا.

این آقای یزید امام زمان ما است! هر کس در برابر این امام زمان قیام کند و بمیرد به مرگ جاهلی مرده است. یعنی ۷۰۰ نفر از صحابه که (در جنگ حرّه توسط سپاه یزید بن معاویه) در مدینه کشته شدند از دیدگاه آقازاده عمر همه مرتد از دنیا رفتند! آن هایی که امام حسین را نهی می کردند که نرو از این قماش بودند.

مجری:

حاج آقا دو دقیقه فرصت داریم، این ده مورد را حاج آقا می توانید در این فرصت بگویید یا بگذارید در

برنامه سراب؟

حضرت آیت الله آقای حسینی قزوینی:

این را در برنامه ی سراب بگذاریم، ولی شاخص ترین تفاوت بین سنی و وهابی این است که سنی همانند شیعه نه تنها قائل به حرمت توسل نیست بلکه توسل را یکی از بهترین وسائل تقرب به خدا می داند، نمونه اش هم خود امام شافعی و دیگران هستند که منابعش را گفتیم.

و ابتغوا الیه الوسیلة

سوره مائده آیه ۳۵

این خیلی واضح و روشن است. همچنین آیه ی ۹۷ سوره ی یوسف:

قَالُوا يَا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ

آیه ۶۴ سوره ی نساء:

وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا.

اهل سنت تابع آقای عمر بن الخطاب هستند در صحیح بخاری جلد ۲، صفحه ۱۶، حدیث ۱۰۱۰ می گوید:

اللهم إنا كنا نتوسل اليك بنبينا.

ولی از دیدگاه آقایان وهابی عمر مسلمان نیست چون می گوید هر کس متوسل بشود مشرک است. اول

کسی که این ها مشرک می دانند جناب عمر بن الخطاب است. آقای ابو بکر وقتی آمد کنار جنازه ی پاک نبی

مکرم گفت:

إذكرنا يا محمد عند ربك و لنكن من بالك.

الغزالي، محمد بن محمد ابوحامد (متوفای ۵۰۵هـ)، إحياء علوم الدين، ج ۱۵، ص ۱۴۸، ناشر: دار الكتب

العربی - بيروت

این هم از دیدگاه آقایان وهابی ها کافر است!

حضرت امیر هم از دیدگاه این ها کافر است. عبد الله عمر حداقل ۳۰ سال یا ۴۰ سال بعد از رحلت پیغمبر وقتی پایش شل شده بود گفت یا محمد! پایش خوب شد، از دیدگاه آقایان عبد الله عمر هم کافر و مشرک است. شاخص ترین فرق بین سنی و وهابی بحث توسل است. البته توسل، شفاعت، همه چیز را ما یکی بیشتر نمی دانیم. و بعد قضایای دیگر این که اگر کسی برای پیغمبر مراسم عزاداری بگیرد مشرک است و بدعت گذاشته است. اگر جشن تولد بگیرد بدعت گذاشته است. این ها از شاخص ترین تفاوت های یک سنی با یک وهابی است. ولی ما در همان مسئله ی اول معمولا مسئله ی شاخصی است یک بچه سنی هم می تواند درک کند. آن کسی که واقعا توسل را زیر سوال می برد یعنی قرآن، سنت، سیره ی صحابه را زیر سوال می برد این وهابی است. آن هایی که این طور نیستند ما این ها را سنی می دانیم.

مجری:

خیلی ممنون. حاج آقا فرصت مان تمام شده است. دعا بفرمایید.

حضرت آیت الله آقای حسینی قزوینی:

خدایا تو را قسمت می دهیم به آبروی محمد و آل محمد به ویژه به آبروی صدیقه ی طاهره هر چه سریعتر لباس فرج بر اندام ملکوتی مولایمان بقیه الله الاعظم بپوشان و ما را از یاران خاص و ویژه ی آن بزرگوار قرار بده، رفع گرفتاری از گرفتاران بفرما، حوائج حاجتمندان روا نما، دعا های ما را به اجابت برسان، و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

مجری:

خیلی ممنون حاج آقا، از این فرصتی که به ما دادید و استفاده کردیم از بیانات حضرتعالی. از شما بیننده ی عزیز که تا این لحظه همراه ما بودید ممنون هستیم. ان شاء الله که برنامه مورد استفاده ی شما قرار گرفته باشد. از همه ی همکاران عزیزم که تدارک این برنامه را دیدند بسیار سپاسگزارم و مجددا این دهه ی آخر صفر

را که منتسب شده است به امام حسن علیه السلام و دهه ی حسنیه است را به پیشگاه مقدس امام زمان علیه السلام و شما عزیزان تسلیت می گوئیم.

یا بقیة الله آجرک الله!

ان شاء الله خداوند فرج امام زمان را نزدیک بگرداند. ان شاء الله تا دیداری دیگر خداوند یار و نگهدار شما عزیزان باشد.